وقف به مثابه منبع تامین مالی خرد اسلامی
ارائه الگوی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور

دکتر غلامرضا مصباحی‌مقدم*، حسین میسمی**، محسن عبدالهی***
مهدی قائمی‌اصل****

دریافت:1390/3/26 پذیرش:1390/8/25

چکیده

این تحقیق با استفاده از نهاد وقف در اقتصاد اسلامی، الگویی بومی برای موسسات تامین مالی خرد ارائه کرده و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در واقع ضمن طرح الگوی پیشنهادی و تبیین روش‌های تجهیز منابع مالی برای موسسه (شامل وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف پولی و اوراق وقف گروهی) و همچنین بیان روش‌های تخصیص منابع (عقود مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه)، امکان‌سنجی فقهی و ضرورت اقتصادی تشکیل چنین موسساتی در کشور را مورد بحث قرار می‌دهد. علاوه بر این، مزیت‌ها و چالش‌های مورد انتظار از الگوی پیشنهادی را نیز مورد بحث قرار داده و تلاش می‌کند با استفاده از ادبیات تامین مالی خرد، راه‌کارهایی به منظور به حداقل رساندن این مشکلات ارائه نماید. یافته‌های این تحقیق که بر اساس تحلیل‌های نظری بدست آمده‌اند، نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی-اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای موسسه تامین مالی خرد

---

* دانشیار، عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و الهیات، دانشگاه امام صادق(ع)
Email: g.mesbahimoghadam@gmail.com
** دانشجوی دکترای رشته اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، نویسنده مسئول Email: meisami@isu.ac.ir
*** دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)
Email: m.abdolahy@isu.ac.ir
**** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)
Email: ghaemiasl@isu.ac.ir

در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: تامین مالی خرد اسلامی، وقف، نظام تامین مالی اسلامی، ایران، قرض‌الحسنه

طبقه‌بندی JEL: L87, O10, O16, Z10 .

1- مقدمه:

مروری بر آیات و روایات وارده در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که در اسلام، فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی پدیده‌هایی مذموم شناخته شده و یکی از اهداف مهم نظام اسلامی و به تبع آن اقتصاد اسلامی، از بین بردن این موارد می‌باشد. از این رو، در جامعه اسلامی، لازم است تمامی روابط اقتصادی و مالی به نحوی تنظیم گردد که نظام اقتصادی بتواند در راستای تامین اهداف مورد نظر اسلام حرکت کند. از طرف دیگر، نظام تامین مالی اسلامی، به عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع‌تر به نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تامین اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی‌تفاوت و یا کم‌توجه باشد. از اینرو می‌توان ادّعا کرد که تلاش در جهت رفع فقر و تقویت عدل و احسان در جامعه از جمله اهداف اصلی نظام مالی اسلام است (صدیقی[1]، 2004، ص 21؛ خان[2]، 1997، ص 43). بنابراین لازم است بانکداری و تامین مالی اسلامی به اهداف اجتماعی خود مانند رفع فقر و توانمندسازی گروه‌های پایین درآمدی توجه ویژه‌ای داشته باشد (چپرا[3]، 1985، ص 21).

در چند دهه اخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارائه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تامین مالی خرد[4]» به وجود آمده است. هدف اصلی این نوع از تامین مالی، ارائه خدمات به افرادی است که به دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. به طور دقیق‌تر، می‌توان تامین مالی خرد را به عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌های با درآمد پایین، مانند صنعت‌گران، کشاورزان و پیمانکاران خرد تعریف نمود. این افراد معمولا به دلیل اینکه دارای رتبه اعتباری[5] پایین‌تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر موسسات مالی متعارف، قرار نمی‌گیرند.

---

1. Seddighi
2. Khan
3. Chapra
4. Micro Finance
5. Credit worthiness

علاوه بر این، به دلیل بالا بودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارائه وام‌های خرد، چالش وثیقه و احتمال بالای نکولی که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و موسسات مالی معمولا از ارائه وام‌های خرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کلیم و احمد[1]، 2009، ص3). لازم به ذکر است که از حیث جایگاه، مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف (که از طریق عقد قرض و پرداخت و دریافت بهره فعالیّت می‌کنند) بین بازار مالی رسمی (نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری) و بازار مالی غیر رسمی، قرار گرفته و لذا برخی ویژگی‌های هر یک از این دو بازار را در خود جای داده‌اند (طغیانی، 1385، ص 210).

از طرفی این یک واقعیت است که تجربه تامین مالی خرد اسلامی در چند دهه اخیر رو به رشد بوده است و بر اساس آمارهای موجود، در حال حاضر این نوع خاص از تامین مالی در اشکال گوناگون و متفاوت، در اغلب کشورهای در حال توسعه (و بعضا توسعه یافته) جریان دارد[2]. به عنوان نمونه، بانک گرامین در کشور بنگلادش، به عنوان موسسه پیشرو در حوزه تامین مالی خرد، در سال 1976 فعالیت‌های خود را شروع کرد و توانست به نحوی در طول سه دهه فعالیت‌های خود را توسعه دهد که در سال 2006 موسس بانک، پروفسور محمد یونس، جایزه صلح نوبل را به دلیل فعالیت در زمینه تامین مالی خرد دریافت کرد. بررسی آمار و ارقام ارائه شده نشان می‌دهد که این موسسه با رشد 113/5 درصدی وام‌هایش روبه‌رو گردیده و حجم وام‌های خرد ارائه شده توسط این موسسه از 229/14 میلیون دلار در سال 2001 به 448/41 میلیون دلار در سال 2011 افزایش یافته است (حبیب، 2011، ص 14).

مسلما مهمترین چالش تامین مالی خرد متعارف، که استفاده کامل از این تجربه در چارچوب اسلامی را با چالش مواجه می‌سازد، مسئله بهره (اصل دریافت و پرداخت بهره و

---

1. Kaleem and Ahmed

2. برخی از تحقیقات به خوبی تجربه تامین مالی خرد در کشورهای مختلف از جمله بنگلادش، مصر، هند، پاکستان، مالزی، چین، اردن، قرقیزستان، مالزی و غیره را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند (مافی، 1387،ص 3).

همچنین بالا بودن نرخ‌های بهره) است. در واقع موسسات تامین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع خود را بر اساس پرداخت و دریافت بهره انجام می‌دهند و به نظر می‌رسد که معمولا درصد بهره دریافتی توسط این موسسات بالاتر از نرخ‌های بهره معمول در اقتصاد است. به عنوان نمونه برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که حتی در کشور بنگلادش که در زمینه تامین مالی خرد پیشرو می‌باشد، اکثر موسسات نرخ بهره‌ای در حدود 25 تا 30 درصد بر فقرا تحمیل می‌کنند (حسن و علمگیر[1]، 2002، ص 21؛ صادق[2]، 2007، 12). برخی دیگر از تحقیقات نیز (ضمن بررسی تجربه تعدادی از موسسات تامین مالی خرد) نشان می‌دهند که اگر علاوه بر نرخ‌های بهره‌ای که در تامین مالی خرد متعارف به صورت صریح دریافت می‌شود، نرخ‌ها و هزینه‌های دریافتی به صورت غیرمستقیم نیز محاسبه گردد، آنگاه نرخ بهره‌ای که واقعا از فقرا دریافت می‌شود در حدود 40 درصد می‌باشد که بسیار بیشتر از نرخ‌های بهره‌ای است که در بانک‌های متعارف از متقاضیان تسهیلات دریافت می‌گردد (منان[3]، 2007، ص 18).

به نظر می‌رسد تجربه موفق تامین مالی خرد، این ظرفیت را داشته باشد که در چارچوب بانکداری و تامین مالی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع این امکان وجود دارد که با انجام برخی اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز، از این تجربه در جهت کاهش فقر در کشورهای اسلامی بهره برد؛ هدفی که قطعا از اهداف اجتماعی نظام تامین مالی اسلامی است. مسلما یکی از مهمترین اصلاحات مورد نیاز جهت استفاده از تجربه تامین مالی خرد متعارف که بر مبنای نرخ بهره انجام می‌شود، به کار بردن ابزارهای اسلامی (عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) و نهادهای موجود در جامعه اسلامی (صدقات، اوقاف، زکات، خمس، انفال و غیره) در تجهیز منابع برای موسسه تامین مالی خرد اسلامی و به طور مشابه ابزارهای مالی اسلامی در تخصیص منابع جمع‌آوری شده است.

---

1. Hassan and Alamgir
2. Sadeq
3. Mannan

گرچه می‌توان امکان (فقهی -اقتصادی) و نحوه استفاده از نهادهای مختلف اقتصاد اسلامی در تامین مالی خرد را مورد توجه قرار داد، اما این تحقیق با توجه به محدودیت‌های موجود، تنها به بررسی یکی از این نهادها، یعنی وقف، پرداخته و مسائل مرتبط با آن را به طور مختصر مورد بحث قرار می‌دهد. در این تحقیق پس از ارائه الگوی نظری تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی و تبیین روش‌های تجهیز و تخصیص منابع، با استفاده از روش تحلیلی -توصیفی، مطالعات کتابخانه‌ای و مرور ادبیات تولید شده در حوزه تامین مالی خرد، تلاش می‌شود تا به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

1- آیا امکان فقهی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی (با استفاده از منابعی چون وقف اموال، وقف سهام، وقف پول، و انتشار اوراق وقف) با توجه به دیدگاه فقهای امامیه فراهم است؟

2- آیا با توجه به وجود بانک‌های اسلامی و صندوق‌های قرض‌الحسنه در کشور، تشکیل موسسات تامین مالی خرد اسلامی ضرورت و توجیه اقتصادی دارد؟

3- ویژگی‌ها و نقاط قوت موسسات تامین مالی خرد اسلامی کدام است؟ چالش‌های احتمالی که موسسه مذکور ممکن است با آن‌ها مواجه شوند کدام است؟ آیا می‌توان با مرور تجربه تامین مالی خرد در سطح بین‌المللی، راه‌کارهایی به منظور حل این چالش‌ها ارائه نمود؟

فصل‌بندی این تحقیق بدین صورت است که پس از این مقدمه و در بخش ادبیات تحقیق، برخی از تحقیقاتی که در حوزه کاربرد وقف در تامین مالی خرد ارائه شده‌اند مورد بحث قرار می‌گیرد و بعد از آن بحثی مختصر در رابطه با وقف و جایگاه آن در تاریخ اسلام و ایران ارائه می‌شود. پس از بررسی تاریخچه وقف، الگوی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور ارائه شده و سپس امکان‌سنجی فقهی و ضرورت اقتصادی طرح چنین ایده‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت و پیش از نتیجه‌گیری، نقاط قوتی که از الگوی پیشنهادی انتظار می‌رود و همچنین چالش‌های احتمالی که این الگو ممکن

است با آن مواجه شود، مورد بحث قرار گرفته و تلاش می‌شود تا راه‌کارهایی برای فائق آمدن بر این چالش‌ها ارائه شود.

2- سابقه تحقیق

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که گرچه در دهه اخیر برخی تحقیقات در حوزه تامین مالی خرد اسلامی انجام شده است (طغیانی، 1385؛ قحف[1]، 2006؛ حبیب، 2002؛ منان، 2007)، اما این تحقیقات معمولا مسئله حذف بهره و استفاده از ابزارهای اسلامی جایگزین، مانند عقد فروش اقساطی را مورد توجه قرار داده‌اند و لذا موضوع استفاده از نهادهای اسلامی از جمله وقف، در تامین مالی خرد، به ندرت مورد توجه تحقیقات قرار گرفته است. در ذیل به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

حسن و اشرف[2] (2010) در تحقیق خود، الگویی ارائه می‌دهند که در آن از زکات و اوقاف به عنوان منبعی برای موسسه تامین مالی خرد استفاده شده است. در این تحقیق، پس از بیان ویژگی‌های زکات و اوقاف نشان داده می‌شود که استفاده از الگوی پیشنهادی چالش‌هایی که موسسات تامین مالی خرد بهره‌محور با آن مواجه هستند (از جمله مسئله پایداری) را کاهش می‌دهد.

حبیب (2007) در تحقیق خود مباحث و چالش‌های اقتصادی، حسابداری و مدیریت ریسک موسسات تامین مالی خرد متعارف را مورد بحث قرار داده و نشان می‌دهد اگر موسسه تامین مالی خرد وقفی از طریق وقف پول و قرض‌الحسنه تامین مالی گردد، با مشکلاتی که موسسات تامین مالی خرد متعارف با آن مواجه هستند (از جمله ریسک اعتباری[3]، خطر اخلاقی[4] و پایداری اقتصادی[5]) مواجه نخواهد شد.

1.Kahf
2.Hassan and Ashraf
3.Credit Risk
4.Moral Hazard
5.Economic Viability

همان طور که ملاحظه می‌شود در این تحقیقات بیشتر ابعاد و ویژگی‌های اقتصادی که برای موسسه تامین مالی خرد در صورت استفاده از نهاد وقف فراهم می‌شود، مورد بحث قرار گرفته‌اند. از این رو تحقیق حاضر به جهت ارائه الگویی جامع‌تر در حوزه تجهیز و تخصیص منابع، بررسی امکان‌پذیر بودن این الگو به لحاظ فقه شیعی، تبیین ضرورت اقتصادی تشکیل این موسسات در کشور و در نهایت بیان چالش‌های احتمالی این الگو و ارائه راهکارهایی به منظور حل این چالش‌ها با استفاده از تجربه تامین مالی خرد متعارف، از تحقیقات گذشته تفاوت پیدا کرده و لذا دارای نوآوری می‌باشد.

3- مفهوم و سابقه تاریخی نهاد وقف در اسلام[1]

وقف در لغت به معنی متوقف کردن و در اصطلاح فقهی به مفهوم حبس کردن اصل مال و آزاد ساختن منفعت آن می‌باشد[2] (شهید اول، 1411ق، ج 2، ص 12). در قانون مدنی نیز وقف به این صورت تعریف شده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (قانون مدنی، 1385، ماده 55). مقصود از حبس عین مال آن است که تصرف اعتباری در آن به صورت بیع، هبه، رهن، اجاره و امثال آن ممنوع بوده و موقوفه به ارث نیز نمی‌رسد. اما منظور از آزاد ساختن منافع آن است که منافع و ثمرات عین از انتفاع واقف آزاد شده و صرف مواردی می‌شود که وی تعیین نموده است.

گرچه واژه وقف به طور خاص در قرآن نیامده است، ولی در متون مذهبی از آن تعبیر به صدقه و صدقه جاریه شده است و لذا می‌توان تمامی آیاتی که در قرآن در رابطه با صدقه آمده است را به نحوی با مفهوم وقف مرتبط دانست. اصطلاح «صدقه جاریه» نیز تعبیری مناسب برای وقف است. زیرا وقف از آن جهت که نوعی کمک مالی بدون عوض

---

1. لازم به ذکر است، مباحث متعدد تاریخی و حقوقی در رابطه با نهاد اقتصادی وقف در اسلام قابل طرح است که با توجه به محدودیت‌ها و اهداف این تحقیق، تنها به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

2. تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه

است، صدقه به حساب می‌آید و از آن جهت که منبعی دائمی بوده و نسل‌های متمادی از آن بهره می‌برند، مفهوم جاری بر آن قابل انطباق است (بختیاری، 1381، ص 5).

به نظر می‌رسد می‌توان تعریفی اقتصادی نیز برای وقف در نظر گرفت. تعریف اقتصادی وقف را می‌توان تغییر در کاربرد منابع، از بهره‌برداری فردی به بهره‌مندی اجتماعی برای نسل حاضر و نسل‌های آینده به شمار آورد که خدمات و یا منافع آن مورد استفاده افراد زیادی قرار می‌گیرد. از این رو توسعه وقف، به عنوان نهادی خصوصی (غیر دولتی) در اقتصاد اسلامی، از یک طرف موجب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف بوده و از طرف دیگر این پس‌اندازها می‌تواند در نهایت به سرمایه تبدیل شود. سرمایه‌ای که خود می‌تواند مولد کالاهای خصوصی و یا خدمات اجتماعی در حال و آینده بوده و در نتیجه زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی را فراهم آورد. همچنین نهاد وقف به دلیل ماهیت خیّرانه‌ای که دارد، موجب تقویت بنیادهای اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه شده که خود منجر به ارتقاء سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد خواهد شد (بختیاری، 1381، ص 7).

به لحاظ تاریخی گرچه دقیقا معلوم نیست که در چه سالی قانون وقف در اسلام تشریع گردید، اما اولین اقدام عملی پیامبر پس از مهاجرت به مدینه، ایجاد مسجد قبا و مسجدالنّبی بر اساس نهاد وقف بوده است[1]. همچنین حضرت علی (ع) املاک متعددی داشت که آن‌ها را در زمان حیات خود وقف نمود. به طوری که در اواخر عمر، عواید سالانه اوقاف آن حضرت به 24 هزار دینار می‌رسید. علاوه بر این نهاد وقف در تاریخ اسلام نیز سابقه درخشانی دارد (اشکوری، 1377، ص 81).

در کشور ما نیز وقف دارای سابقه‌ای درخشان و طولانی مدت است. گرچه این نهاد در

---

1. لازم به ذکر است که وقف قبل از اسلام نیز دارای سابقه می‌باشد. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این رابطه می‌فرماید: «برای وقف، حقیقت شرعیه‌ای نیست (این مفهوم توسط شرع جعل نشده است)؛ بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمامی ادیان و شاید غیر پیروان ادیان نیز مرسوم باشد» (امام خمینی، 1403، ج1، ص572).

دوره‌های مختلف در اقتصاد کشور ما نقشی فعّال داشته است، اما دوران صفوی را می‌توان اوج توسعه و رشد اوقاف در ایران در نظر گرفت. به طوری که در پایان دوران صفوی، در شهرهای ایران، کمتر زمین زراعی و یا خانه مسکونی یافت می‌شد که تمام یا بخشی از آن وقف نبوده باشد (بختیاری، 1381، ص 12). وقف در ایران ابتدا به صورت زمین، باغ و ملک بود؛ ولی بعدها و به مرور زمان، علاوه بر املاک، مستغلات زیادی از قبیل مغازه‌ها، اماکن تجاری، ابزارهای مختلف تولیدی همچون آسیاب‌ها، نانوایی‌ها، حمام‌های عمومی، قهوه خانه‌ها، کوره‌های گچ‌پزی، کارگاه‌های بافندگی، کشتی‌های تجاری، کتاب و کتابخانه، پول نقد و مستمری‌های مقرر دولتی برای برخی از افراد نیز جزو موقوفات گردید (اشکوری، 1377، ص 87).

در گذشته و در تاریخ ایران، بسیاری از فعالیت‌های تولیدی توسط نهاد وقف انجام می‌گرفت و بسیاری از تأسیسات زیر بنائی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای احساس کنند، توسط مردم ساخته می‌شدند. در واقع وقف از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای مهم و فراوانی در زندگی روزانه مردم بوده است. یکی از این موارد مسئله آموزش رایگان بود، که اثرات فراوانی در جامعه داشت. امروزه یکی از عمده مواردی که مستقیم و غیر مستقیم بر تولید کالاها و خدمات مؤثر است، آموزش می باشد و هم اکنون در بسیاری از کشورها از جمله کشور خودمان عمده‌ترین هزینه‌های بخش عمومی هزینه‌هایی است که دولت برای تأمین سطوح مختلف آموزشی متحمّل می‌شود. در حالی که در گذشته این وظیفه از طریق وقف و بدون تحمیل هزینه‌ای بر دولت انجام می گرفته است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که همه مدارس بنا شده در طول تاریخ اسلام به رغم تفاوت‌هایشان از لحاظ وسعت و امکانات، متکی بر وقف و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بوده است (ساعاتی، 1374، ص 3).

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که در گذشته، اوقاف نقش قابل ملاحظه‌ای در تولید کالاها و خدمات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند و بسیاری از کالاهای عمومی و

وظایفی که در دولت‌های مدرن توسط دولت انجام گرفته و هم اکنون یکی از چالش‌های دولت‌ها شده و با طرح مسائلی از قبیل تعدیل اقتصادی[1]، خصوصی‌سازی[2]، اندازه بهینه دولت[3]، برون‌سپاری[4] و از این قبیل، سعی در انجام آن‌ها به روش‌های غیردولتی دارند، در گذشته از طریق نهاد وقف در جوامع اسلامی انجام می‌شده است (بختیاری، 1381، ص 7).

در حال حاضر نیز موقوفات در کشور ما حجم عظیمی از منابع را به خود اختصاص می‌دهد. موقوفات عظیم آستان قدس رضوی در شهرها و مناطق مختلف، تنها نمونه‌ای از حجم بالای وقف در کشور است. بر اساس اظهارنظر معاون سازمان اوقاف و امور خیریه، در حال حاضر، ارزش تقریبی دارایی‌های وقف شده در ایران حدود 100 هزار میلیارد تومان و درآمد این موقوفات طبق آمار سال 1387 حدود 84 میلیارد تومان است که نشان‌دهنده سوددهی یا درآمدزایی کم آن‌ها، معادل هشت ده‌هزارم است (روزنامه سرمایه، 1388/12/26، شماره 607، ص 6)[5]. علیرغم این ظرفیت بالا و همان طور که واقعیت اقتصاد اقتصاد ایران نشان می‌دهد، در حال حاضر وقف در کشور، دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و موثری که در تاریخ اسلام و ایران (به خصوص در برخی دوره‌ها) در جهت حل مشکلات اقتصادی به عهده داشت را ندارد. مسلما یکی از دلایل مهم این واقعیت، اداره سنّتی و غیرعلمی دارایی‌های وقف شده و استفاده نکردن از ظرفیت‌های بالقوه این نهاد تاریخی در جهت تامین اهداف اسلامی می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد لازم باشد از

---

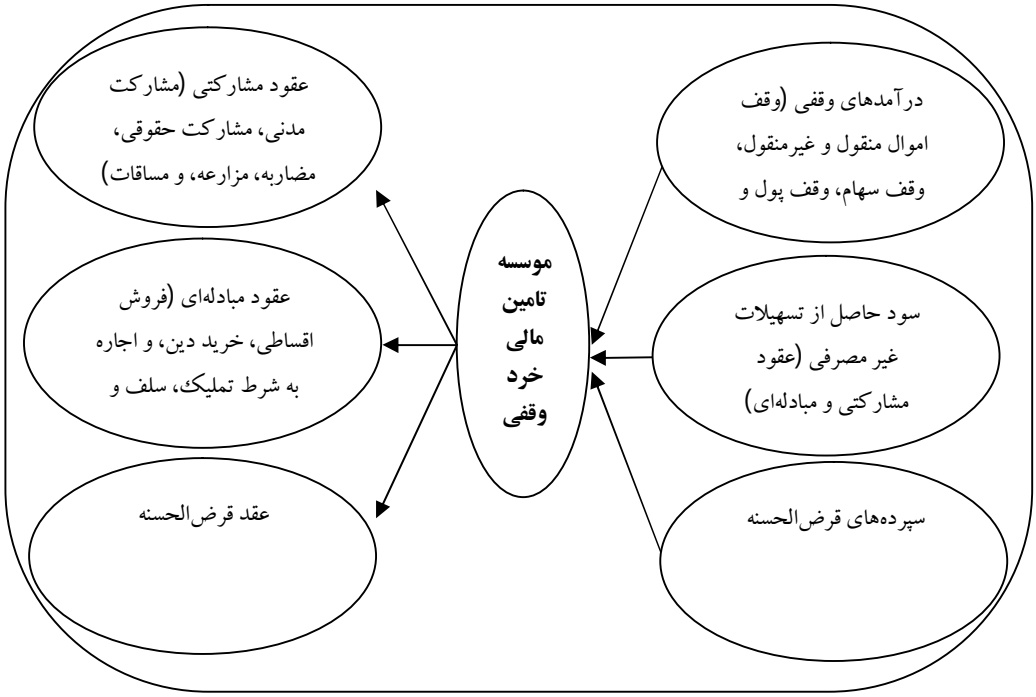
1. Structural adjustment Policies
2.Privatization
3.Optimal Size of Government
4.Outsourcing

5. برخی تحقیقات نیز به درستی و با استفاده از آمار و ارقام نشان داده‌اند که در حال حاضر، درآمدزایی اموال وقف به شدت پایین‌تر از اموال مشابه غیر وقفی است. به عنوان نمونه حجه‌الله سوری در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «بررسی وضعیت بهره‌برداری از رقبات منفعتی: مطالعه موردی اداره اوقاف جنوب شهر تهران»، نشان می‌دهد که درآمد رقبات منفعتی وقفی پایین است؛ و یا اینکه درآمدهای مغازه‌های وقفی در بازار تهران، بسیار کمتر از درآمد مغازه‌های غیر وقفی است(سوری، 1383).

ویژگی‌های مناسبی که در نهاد وقف وجود دارد، استفاده شده و تلاش شود با استفاده از تجارب بین‌المللی، الگویی کارا برای بازسازی نقش نهاد وقف در اقتصاد جامعه اسلامی ارائه نمود. به عبارت دیگر لازم است علاوه بر روش اجاره‌دهی سنتی و استفاده از درآمدهای حاصل از اجاره اموال وقفی در جهت تامین اهداف واقفان، از روش‌های جدیدتری به منظور جمع‌آوری منابع وقف و همچنین تخصیص آن‌ها بهره برد. در این تحقیق تلاش می‌شود تا با استفاده از تجربه تامین مالی خرد متعارف که در سطح بین‌المللی ارائه شده است، الگویی بومی جهت به کارگیری نهاد وقف در تامین مالی خرد ارائه شود.

4- الگوی تشکیل موسسه تامین مالی خرد وقفی

منظور از موسسه تامین مالی خرد وقفی، موسسه‌ای غیرانتفاعی است که بخش عمده‌ای از منابع خود را با استفاده از اموال وقفی تامین می‌کند. به عبارت دیگر در بخش تجهیز منابع به طور عمده از نهاد وقف بهره می‌برد. در واقع همان‌طور که در نمودار شماره یک دیده می‌شود، موسسه تامین مالی خرد وقفی در بخش تجهیز منابع یا بدهی‌ها (سمت راست نمودار) از نهاد اسلامی وقف و در بخش تخصیص منابع یا دارایی‌ها (سمت چپ نمودار) از ابزارهای اسلامی استفاده کرده و لذا در ابعاد مختلف از موسسات تامین مالی خرد بهره‌محور تفاوت پیدا می‌کند. در ذیل به بررسی مختصر ویژگی‌های موسسه تامین مالی مذکور در دو حوزه تجهیز و تخصیص منابع پرداخته می‌شود.



نمودار شماره (1): فرآیند تجهیز و تخصیص منابع در موسسه تامین مالی خرد وقفی

4-1- تجهیز منابع

موسسات تامین مالی خرد متعارف منابع مالی خویش را یا از طریق سپرده‌پذیری بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره انجام می‌دهند و یا از منابع بیرونی (مثلا کمک‌های دولتی و یا بین‌المللی) استفاده می‌کنند (حبیب[1]، 2002). اما در مقابل، موسسات تامین مالی خرد اسلامی می‌توانند از عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در جذب سپرده‌ها استفاده کنند. علاوه بر این، می‌توانند از نهادهای اقتصادی اسلام نیز به منظور تامین منابع خویش بهره ببرند. نهادهایی چون وقف، خمس، زکات، انفال، فیء و

1. Habib

غیره[1]. در الگوی پیشنهادی این تحقیق، مهمترین منبعی که برای تامین مالی موسسه در نظر گرفته شده است، نهاد وقف است که در چهار صورت وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف تجلّی می‌یابد. همچنین در کنار منابع وقفی، سپرده‌پذیری بر اساس عقد قرض‌الحسنه نیز به عنوان یک منبع درآمد فرعی برای موسسه تعریف می‌شود. لازم به ذکر است، به دلیل آنکه عقد قرض عقدی تملیکی بوده و سپرده‌گذار بر اساس آن وجوه خود را به ملکیت موسسه در می‌آورد تا در مصارف خیّرانه مورد استفاده قرار دهد، از این رو مخلوط نمودن این وجوه با منابع وقفی مشکلی برای موسسه ایجاد نمی‌نماید[2].

4-2- تخصیص منابع

همان طور که ذکر شد تخصیص منابع در موسسات تامین مالی خرد متعارف، به طور عمده بر اساس عقد قرض و دریافت بهره (ربا) انجام می‌شود. اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، لازم است در ارائه تامین مالی خرد اسلامی از عقود مختلفی که در نظام مالی اسلام وجود دارد استفاده شود. عقود مذکور (که در بانک‌های اسلامی نیز به منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد) را می‌توان در چهار گروه کلی تقسیم‌بندی نمود که عبارت‌اند از عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت، عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیّر، و عقد قرض‌الحسنه. سه مورد اول مخصوص تسهیلات تولیدی و یا تجاری بوده و مورد آخر غالبا مربوط به تسهیلات مصرفی می‌باشد (موسویان، 1383، ص 175).

---

1. لازم به ذکر است که هر یک از این موارد در فقه شیعی دارای ضوابط مشخص و متفاوتی می‌باشد که لازم است موسسه تامین مالی خرد به آن توجه داشته باشد.

2. به نظر می‌رسد تنها تفاوت منابع حاصل از قرض‌الحسنه با منابع حاصل از وقف در آن است که در اولی موسسه ضامن مثل می‌باشد و لذا لازم است پس از دوره‌ای اصل وجوه را به فرد سپرده‌گذار بازگرداند، اما در دومی چنین مسئله‌ای وجود ندارد. همچنین لازم به ذکر است که وقف و قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی شباهت‌های زیادی به یکدیگر دارند؛ به عنوان نمونه، هدف هر دو کمک به نیازمندان و حل مشکلات اقتصادی طبقات پائین درآمدی است.

5- امکان‌سنجی فقهی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی

در این قسمت لازم است به بررسی فقهی روش‌های تجهیز و تخصیص منابع مالی پرداخته شود. در حوزه تخصیص منابع، استفاده صحیح از عقود مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه (بر اساس ضوابطی که در هر یک از عقود مطرح است) توسط هر موسسه مالی، به لحاظ فقهی مجاز و صحیح می‌باشد و این مطلب در قانون بانکداری بدون ربا نیز به صراحت ذکر گردیده است (موسویان، 1383، صص 98-111). اما در حوزه تجهیز منابع برای موسسه تامین مالی خرد وقفی، لازم است بحث مختصری انجام شود. در واقع لازم است حکم فقهی سپرده‌های قرض‌الحسنه و همچنین هر یک از چهار منبع وقفی که برای تامین مالی موسسه تامین مالی خرد مطرح شد (شامل وقف اموال، وقف سهام، وقف پول و اوراق وقف) مورد بحث قرار گیرد. البته دریافت سپرده بر اساس عقد قرض‌الحسنه امری کاملا مشروع و بلکه مستحب بوده و لذا بحث زیادی در رابطه با آن وجود ندارد. از این رو لازم است به تحلیل فقهی منابع وقفی پرداخته شود.

ارزیابی متون فقهی در حوزه وقف نشان می‌دهد که به منظور صحت هر نوع وقفی، وجود چهار شرط عمومی ضروری است که عبارت‌اند از: اصل یا عین بودن، مالکیّت واقف نسبت به مال، قابلیت بقاء اصل یا عین مال همراه با انتفاع و وجود امکان اقباض (نجفی، 1397ق، ص 13؛ شهید اول، 1411ق، ص 87؛ محقق حلی، 1403ق، ص 23). در آنچه در پی می‌آید و با استفاده از ادبیات موجود در حوزه وقف، به بررسی وجود چهار شرط مذکور در چهار نوع منبعی که برای تامین مالی موسسه پیشنهاد شد، پرداخته می‌شود.

الف- وقف اموال

یکی از منابع تجهیز برای موسسه تامین مالی خرد وقفی، دریافت و استفاده از اموال منقول و غیرمنقولی است که دارای چهار ویژگی فوق‌الذّکر بوده و توسط افراد خیّر به منظور

کمک به فقرا وقف می‌شود. در واقع موسسه، به عنوان متولّی[1]، اموال مذکور را بر اساس صیغه وقف از واقفان دریافت کرده و متعهّد می‌شود تا این اموال را تنها در جهت حل مشکلات فقرا به مصرف برساند. لازم به ذکر است با توجه به ماهیّت تامین مالی خرد و اهدافی که در جهت کمک به گروه‌های پایین درآمدی و حل مشکل فقر در جامعه دارد، موسسه تامین مالی خرد وقفی تنها می‌تواند با آن دسته از واقفان همکاری کند که به منظور حل مشکل فقر، اموال خود را وقف می‌کنند. از این رو واقفانی که اهداف دیگری مانند ساختن و یا کمک به مساجد، تعمیر پل‌ها و معابر، احداث و تجهیز قبرستان‌ها و غیره، دارند، نمی‌توانند با موسسه تامین مالی خرد وقفی همکاری کنند. البته همان طور که در بخش قبل ملاحظه شد، به لحاظ تاریخی اکثر موقوفات با هدف رفع فقر انجام می‌شده است.

همچنین لازم به ذکر است که موسسه مذکور این امکان را برای واقفان فراهم می‌آورد که یا اموال خود را به صورت عام وقف فقرا کنند و یا وقف گروه‌های خاصّی از فقرا نمایند (به عنوان نمونه کارگران فقیر)؛ که در صورت دوم، موسسه به عنوان متولّی وقف، متعهد است که منافع حاصل از این اموال را فقط در جهت همان گروه‌های تعیین شده به مصرف برساند. علاوه بر این، موسسه این امکان را برای واقف فراهم می‌آورد که بین ارائه تسهیلات مصرفی و یا غیرمصرفی (تولیدی یا تجاری) به فقرا انتخاب نماید[2]؛ چرا که همان

---

1. بر اساس ضوابط فقهی، ارکان وقف عبارتند از واقف، موقوف علیهم، مال موقوف (عین موقوفه) و متولّی. وقف‌کننده را واقف و کسانی که وقف برای استفاده آن‌ها صورت می‌پذیرد را موقوف‌علیهم و مورد وقف را عین موقوفه گویند. به کسی که اداره امور موقوفه را بر عهده می‌گیرد نیز متولّی وقف گفته می‌شود. واقف می‌تواند از منافع موقوفه، سهمی را به عنوان اجرت یا حق‌التّولیه برای متولی معین نماید و اگر معیّن نکرده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل است (امام خمینی، 1403، ج1، ص572).

2. لازم به ذکر است منظور از تسهیلات مصرفی وام‌هایی است که توسط افراد برای رفع نیازهای مصرفی دریافت می‌شود (مثلا وام برای خرید یک کالا جهت مصرف). اما منظور از تسهیلات تولیدی، وام‌هایی است که نه با هدف مصرف، بلکه به عنوان سرمایه جهت تولید یا ارائه کالا و یا خدمتی در آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

طور که در بخش بعد خواهیم دید، در موسسه مذکور هر دو نوع تسهیلات پرداخت می‌شود.

ب- وقف سهام

در خصوص سهام شرکت‌ها و امکان‌پذیر بودن وقف آن، می‌توان ادّعا کرد که از چهار شرط اصل یا عین بودن، مالکیّت واقف نسبت به مال، قابلیت بقاء اصل یا عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض، موارد دوم و سوم، در مورد سهام بدون هیچ تردیدی وجود دارد. در واقع سهام، در تملّک دارنده آن قرار داشته (شرط دوم) و امکان بهره‌مندی از منافع آن همراه با باقی ماندن عین، فراهم است (شرط سوم). اما در رابطه با قابلیت قبض و اقباض نیز می‌توان گفت هم به لحاظ عرف و هم به لحاظ قانون (مواد 39 و 40 قانون تجارت)، امکان قبض و اقباض برگه سهام وجود دارد. تنها موردی که در رابطه با سهام می‌تواند محل اختلاف باشد مورد اول یعنی اصل یا عین بودن است (نجفی، 1981، ج 28، ص 14). در این رابطه نیز برخی تحقیقات به درستی نشان داده‌اند که با توجه به اینکه منظور از سهام برگه یا ورق سهام نبوده و حصّه یا بخشی از مال شرکت است که بر اساس برگه در اختیار فرد قرار می‌گیرد، لذا شرط اصل یا عین بودن نیز در مورد سهام برقرار می‌باشد (مصباحی‌مقدم و شکری، 1386، ص 16)[1].

بنابر آنچه مطرح شد به نظر می‌رسد وقف سهام نیز بتواند به عنوان منبع دیگری برای موسسه تامین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیّران سهام شرکت‌ها و موسساتی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و موسسه را متولّی مصرف منافع قرار می‌دهند. در اینجا هم باید واقفان تنها به منظور کمک به فقرا سهام خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین

---

1. لازم به ذکر است در کتب فقهی فصلی مرتبط با موضوع وقف سهام وجود دارد و آن موضوع «وقف سهم مشاع از ملک مشترک» می‌باشد. در این رابطه برخی فقها صحت آن را اجماعی دانسته‌اند (نجفی، 1981، ج 28، ص 2014).

عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم خواهد بود.

ج- وقف پول

در رابطه با وقف پول، به نظر می‌رسد از چهار شرط مذکور موارد مالکیّت واقف و وجود امکان اقباض در مورد پول نیز به لحاظ عرفی کاملا قابل تصوّر باشد. اما در رابطه با دو شرط اصل یا عین بودن و قابلیت بقاء همراه با انتفاع، اختلافاتی میان اندیشمندان اسلامی وجود دارد. در این میان، برخی از محقّقین به درستی نشان داده‌اند که آنچه در وقف به لحاظ شرعی لازم است رعایت شود مسئله «حبس اصل» می‌باشد و نه صرفا «حبس عین» (مصباحی‌مقدم و دیگران، 1388، ص 11). به عبارت دیگر، در کل دو نوع حبس در وقف قابل تصوّر است؛ یکی حبس عین مال، که مخصوص عروض (کالاها) می‌باشد و دیگری حبس مالیّت مال (قدرت خرید مال)، که مخصوص نقود می‌باشد. بنابراین در وقف عروض، بقای رقبه مال (عین مال) با وجود انتفاع، شرط است؛ ولی در وقف نقود، بقای مالیّت مال با وجود انتفاع، شرط می‌باشد. از این رو، در رابطه با پول اعتباری که عین آن (کاغذ پول) اهمیّتی نداشته و قدرت خرید این کاغذ مورد توجه نگه‌دارنده می‌باشد، اگر بتوان از آن به نحوی استفاده کرد که این قدرت خرید محفوظ باشد و در عین حال منافعی از این پول ایجاد گردد (مثلا این وجوه وقفی در صندوقی قرار گرفته و با استفاده از آن به افراد قرض‌الحسنه داده شود)، می‌توان این منافع را وقف نمود (دادگر و سعادت‌فر، 1386، ص 16؛ مصباحی‌مقدم و دیگران، 1388، ص 13). بنابراین وقف پول نیز می‌تواند به عنوان منبع دیگری برای موسسه تامین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیّران وجوهی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و موسسه را متولّی استفاده از منافع در جهت خاص، قرار می‌دهند. موسسه از این وجوه به منظور ارائه تسهیلات مصرفی و تولیدی به فقرا، به نحوی که قدرت خرید وجوه ثابت باقی بماند، استفاده می‌کند. در اینجا هم باید واقفان تنها به منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه

با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم خواهد بود[1].

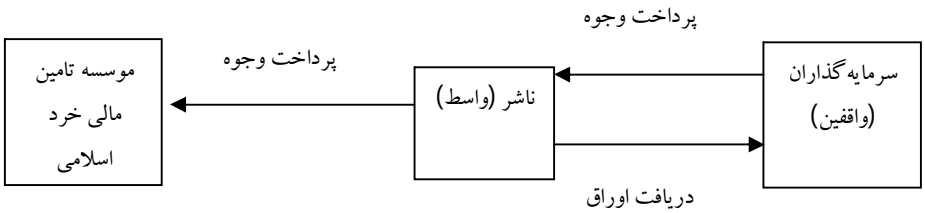
د- انتشار اوراق وقف

یکی دیگر از راه‌های تجهیز منابع مالی برای موسسه تامین مالی خرد وقفی انتشار اوراق وقف است. این دسته از اوراق، در گروه اوراق اسلامی غیر انتفاعی (صکوک غیر سرمایه‌گذاری) قرار می‌گیرند. دارندگان اوراق وقف افرادی هستند که به هر دلیلی تمایل به وقف نمودن دارایی‌های کم یا زیاد خود دارند (سروش، 1387، ص 5). به نظر می‌رسد موسسه تامین مالی خرد اسلامی می‌تواند حداقل از دو نوع اوراق وقف بهره ببرد. نوع اول که می‌توان نام آن را «اوراق وقف پول» نهاد، مبتنی بر وقف پول بوده و صحت آن مشروط به صحت وقف پول است. اما نوع دوم اوراق مبتنی بر وقف کالایی است و می‌توان نام آن را «اوراق وقف گروهی» نهاد. در ذیل به توضیح این دو نوع می‌پردازیم.

الف- اوراق وقف پول: همان طور که در شکل شماره دو ملاحظه می‌شود، در انتشار این اوراق، موسسه تامین مالی خرد وقفی به عنوان بانی عمل می‌کند. در واقع موسسه با تأسیس یک نهاد واسط اقدام به انتشار اوراق وقف نموده و وجوه بدست آمده را در اختیار می‌گیرد. در این نوع اوراق، بانی موظّف است وجوه بدست آمده را بر اساس امیدنامه (وقف‌نامه) منتشره هنگام فروش اوراق، صرف نماید. در اینجا نیز لازم است واقفان تنها به منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم باشد.

---

1. لازم به ذکر است که بحث وقف پول از جمله مباحث مورد اختلاف بین فقها و پژوهشگران می‌باشد. بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مخالفان و موافقان وقف پول خارج از حوصله این مقاله بوده و می‌توان به تحقیقات انجام شده در این زمینه مراجعه نمود (دادگر و سعادت‌فر، 1386، ص 16).



نمودار شماره (2): فرآیند انتشار اوراق وقف پول

ب- اوراق وقف گروهی: تفاوت اصلی این نوع اوراق با اوراق وقف پولی در آن است که این وقف بر روی کالای سرمایه‌ای انجام می‌شود. به عنوان نمونه، موسسه تامین مالی خرد وقفی درخواست یکی از گروه‌ها را که متقاضی خرید یک دستگاه تراکتور جهت انجام فعالیّت کشاورزی می‌باشد، دریافت می‌کند. پس از انجام بررسی‌های اولیه و تایید سوابق گروه، به منظور تامین هزینه خرید تراکتور اوراقی منتشر می‌سازد. در واقع اگر هزینه این کار یکصد واحد باشد، بر روی آن یکصد برگه منتشر کرده و آن را در اختیار واقفان خرد قرار می‌دهد. در این شرایط هر یک از واقفان با خرید هر یک از برگه ها بخشی از وقف تراکتور را انجام می‌دهد. بنابراین و همان‌طور که از این مثال مشخص می‌شود، این نوع اوراق بر اساس ایده وقف گروهی کالا منتشر می‌شود.

6- ارزیابی ضرورت اقتصادی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور

سوالی که لازم است در این قسمت به آن پاسخ داده شود آن است که با توجه به این مطلب که در حال حاضر در کشور بانک‌های اسلامی وجود دارند که یکی از عقود مورد استفاده آن‌ها بر اساس قانون بانکداری بدون ربا عقد قرض‌الحسنه می‌باشد و همچنین صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که با هدف رفع فقر تشکیل شده‌اند[1] نیز به ارائه تسهیلات خرد

1. برخی تحقیقات تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه موجود در کشور را تا 7000 صندوق برشمرده‌اند (موسویان، 1383، ص 12).

به فقرای نیازمند مشغول هستند، چه ضرورت و یا توجیه اقتصادی برای تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی می‌تواند قابل تصوّر باشد؟

در این قسمت تلاش می‌شود تا پاسخ به این سوال از طریق بررسی تطبیقی مهمترین نقاط اشتراک و افتراق موسسه تامین مالی خرد وقفی با بانک‌های فعال در کشور و همچنین صندوق‌های قرض‌الحسنه، ارائه گردد. به نظر می‌رسد گرچه الگوی پیشنهادی با بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه مشابهت‌هایی دارد، اما در ابعاد مختلف با آن‌ها تفاوت پیدا می‌کند و این خود ضرورت اقتصادی تشکیل چنین موسساتی را توجیه می‌کند. در ذیل به بررسی برخی از این ابعاد پرداخته می‌شود:

الف- ماهیت موسسه

همان‌طور که در جدول شماره یک اشاره شده است، ماهیت موسسه تامین مالی خرد وقفی غیرانتفاعی است. به این معنی که گرچه در الگوی پیشنهادی موسسه مذکور از عقود مشارکتی و مبادله‌ای نیز استفاده کرده و لذا درآمدهایی برایش ایجاد می‌گردد، اما بر اساس ماهیت، نمی‌تواند به تامین‌مالی‌کنندگان خود (واقفان) و یا سپرده‌گذاران سودی بپردازد؛ بلکه لازم است از این وجوه جهت توسعه و پایدارسازی فعالیت‌های خود استفاده کند. موسسه تامین مالی خرد وقفی از این لحاظ با بانک‌های اسلامی تفاوت و با صندوق‌های قرض‌الحسنه مشابهت پیدا می‌کند.

ب- عقود مورد استفاده

همان طور که در بخش‌های قبل نیز اشاره شد، موسسه تامین مالی خرد وقفی در حوزه تخصیص منابع از عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه استفاده می‌کند. از این رو موسسه با بانک‌های فعال در اقتصاد کشور که بر اساس قانون بانکداری بدون ربا[1] به فعالیت

---

1. متن قانون بانکداری بدون ربا، موجود در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: http://www.cbi.ir..

مشغول هستند، مشابهت پیدا کرده، اما با موسسات قرض‌الحسنه تفاوت دارد. چرا که بر اساس ماده 22، «دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه[1]»، صندوق‌های قرض‌الحسنه تنها می‌توانند از عقد قرض‌الحسنه در تخصیص وجوهی که در اختیار دارند استفاده نمایند.

ج- دریافت وثیقه و یا درخواست ضامن معتبر

در حال حاضر بانک‌های فعال در کشور و همچنین صندوق‌های قرض‌الحسنه از دو شیوه برای تضمین بازگشت وجوهی که بر اساس عقود مختلف در اختیار افراد قرار می‌دهند، استفاده می‌کنند. یکی دریافت وثایق معتبر و دیگری درخواست ضامن[2]. اما در موسسه تامین مالی خرد وقفی، بر اساس ماهیتی که دارد، ایده وثیقه گروهی جایگزین موارد دیگر می‌شود. به این نحو که از افراد هیچگونه درخواست وثیقه و یا ضامنی نمی‌شود، اما در مقابل لازم است هر فرد تلاش کند تا عضو یک گروه شده و از این طریق تسهیلات دریافت کند[3]. به جرات می‌توان گفت ایده وثیقه گروهی، مهمترین ویژگی موسسات تامین تامین مالی خرد می‌باشد که حتی در سطح بین‌المللی موفقیّت خود را در تضمین بازپرداخت منابع اثبات نموده است[4].

---

1. دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنهٔ، موجود در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: http://www.cbi.ir..

2. قانون بانکداری بدون ربا و دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه، اجازه دریافت ضامن و وثیقه را به بانک‌ها و موسسات قرض‌الحسنه می‌دهد، اما در رابطه با وام‌دهی گروهی و دریافت تعهد طرفین (وام‌دهی گروهی) به عنوان وثیقه ساکت است.

3. در رابطه با وثایق دریافتی توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه این نکته قابل ذکر است که با توجه به خرد بودن حجم وام، به اجرا گذاشتن وثایق و تحمل هزینه‌های مرتبط، اصلا مقرون به صرفه نمی‌باشد.

4. لازم به ذکر است که موسسات تامین مالی خرد متعارف، در اکثر موارد نرخ بازپرداخت بالاتری نسبت به بانک‌ها دارد. به عنوان مثال، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که میزان بازپرداخت وام‌ها در بانک گرامین بنگلادش (که به صورت گروهی وام می‌دهد) بالای 98 درصد بوده است (مافی، 1387، ص 508).

د- تسهیلات‌دهی به صورت گروهی

در حال حاضر هیچ یک از بانک‌های کشور و یا صندوق‌های قرض‌الحسنه رسمی که در کشور حضور دارند، به صورت گروهی تسهیلات اعطا نمی‌نمایند[1]. اما در الگوی پیشنهادی تمامی تسهیلات مصرفی و غیرمصرفی به صورت گروهی ارائه شده و اعضای گروه تعهد بازپرداخت یکدیگر را بر عهده می‌گیرند. با انجام این کار فقرایی که به هیچگونه وثیقه یا ضامنی دسترسی ندارند، بازهم می‌توانند از خدمات مالی موسسه تامین مالی خرد وقفی استفاده کنند.

انجام این کار تضمین می‌نماید که تسهیلات تخصیص یافته به هدف مورد نظر اصابت کند. ضمن اینکه این مسئولیت مشترک، سبب کاهش ریسک می‌گردد؛ چرا که اولاً، سبب می‌شود که گروه، اعضای بدحساب را در میان خود نپذیرند و این هزینه انتخاب ناصحیح در اعطای تسهیلات را حذف می‌کند. ثانیاً، این شیوه انگیزه‌ای در میان اعضاء ایجاد می‌کند تا مراقب باشند که عضو تسهیلات‌گیرنده، وام را به مصارف تعیین شده برساند؛ چرا که باید بتواند آنرا بازپرداخت کند. ثالثاً، باعث می‌شود تا اعضاء گروه، افرادی که وام خود را نپرداخته‌اند، تحت فشار قرار داده و حتی پرداخت بدهی‌های آن‌ها را بر عهده گیرند؛ که این موضوع نیز سبب حذف هزینه عدم بازپرداخت تسهیلات می‌گردد (طغیانی، 1385، ص 210).

ه- تمایز بین تسهیلات تولیدی و مصرفی

در حال حاضر بانک‌های فعال در کشور و همچنین موسسات قرض‌الحسنه، هنگام اعطای تسهیلات به افراد، معمولا به این مطلب که این تسهیلات با اهداف مصرفی دریافت می‌شود و یا قرار است فرد از این وام به عنوان سرمایه استفاده کرده و تلاش کند در آینده کالا یا

---

1. قانون بانکداری بدون ربا و دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه در این رابطه ساکت است.

خدمتی ارائه نماید، تمایزی قائل نمی‌شوند. اما در الگوی پیشنهادی بر اساس تجربه تامین مالی خرد متعارف در سایر کشورها، بین فقرایی که نیازهای مصرفی صرف دارند و فقرایی که نیازهای تولیدی داشته (فاقد سرمایه می‌باشند) تفاوت قائل می‌شود. به نظر می‌رسد این تفکیک با اهداف نظام اقتصادی اسلام سازگاری بهتری داشته باشد. چرا که آنچه از مجموع آیات و روایات در باب قرض‌الحسنه بدست می‌آید آن است که در اسلام این نوع عقد به طور عمده برای تامین نیازهای مصرفی فقرا ارائه شده است، و دین اسلام برای فعالیت‌های تولیدی و تجاری، عقود مشارکتی و مبادله‌ای را ارائه نموده است که در آن نه تنها نیازهای تولیدی-تجاری دریافت‌کننده منابع مالی برطرف گردیده بلکه بخشی از سود فعالیت اقتصادی به تامین مالی کننده نیز می‌رسد[1].

و- ارائه خدمات مشورتی و نظارت دائم موسسه بر فعالیت‌های تسهیلات‌گیرندگان

در حال حاضر نه در بانک‌های فعال در کشور و نه در صندوق‌های قرض‌الحسنه، خدمات مشاوره‌ای به افرادی که قصد قرض گرفتن دارند، ارائه نمی‌شود. همچنین بانک، پیگیر این مطلب که افراد وجوه دریافتی را در چه راهی به مصرف می‌رسانند، نمی‌باشد و فقط به بازگشت اصل وجه قرض‌داده شده توجه دارد. این در حالی است که در تامین مالی خرد، ارائه خدمات مشاوره‌ای (در رابطه با فرصت‌های اقتصادی، قوانین و غیره) به فقرایی که

---

1. لازم است به این نکته توجه شود که هم بر اساس ضوابط فقهی و هم بر اساس قانون بانکداری بدون ربا و دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه، عقد قرض، عقدی تملیکی بوده و می‌تواند برای نیازهای تولیدی هم به کار رود. اما بحث آن است که خواستگاه تاریخی این ابزار مالی اسلامی، بیشتر رفع نیازهای مصرفی بوده است. این امر باعث شده است که برخی از محققین مانند آیت الله بجنوردی، آیت الله صانعی و دکتر کاتوزیان، ربای محرم در اسلام را مخصوص حالت غالب آن، یعنی نیازهای مصرفی بدانند؛ گرچه این دیدگاه مورد اشکال قرار گرفته و برخی شواهد تاریخی و روایی در رد آن ارائه شده است (موسویان، 1386، ص 155)، اما می‌توان به این نتیجه رسید که در تاریخ اسلام، عقود مشارکتی و مبادله‌ای بیشتر برای رفع نیازهای غیرمصرفی افراد و عقد قرض‌الحسنه بیشتر به منظور رفع نیازهای مصرفی افراد مورد استفاده بوده است.

توانایی فعالیت‌های اقتصادی را دارند (به منظور توانمندسازی آنان)، امری حتمی و مهم تلقی گردیده و همچنین ناظر موسسه ضمن برگزاری جلسات متعدد با اعضای گروه، بر این مطلب که تسهیلات در محل‌های مورد توافق به استفاده رسیده است، نظارت می‌نماید (مافی، 1387، ص 54).

جدول شماره (1):

برخی از مهمترین نقاط اشتراک و افتراق موسسات تامین مالی خرد وقفی

	بانک‌های اسلامی	موسسات قرض‌الحسنه	موسسه تامین مالی خرد وقفی
1. ماهیت موسسه	انتفاعی	غیرانتفاعی	غیرانتفاعی
2. عقود مورد استفاده	مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه	قرض‌الحسنه	مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه
3. دریافت وثیقه و یا ضامن فردی	دارد	دارد	ندارد
4. تسهیلات‌دهی گروهی	ندارد	ندارد	دارد
5. تمایز بین تسهیلات مصرفی و تولیدی	ندارد	ندارد	دارد
6. ارائه خدمات مشورتی و نظارت دائم موسسه بر فعالیت‌های تسهیلات‌گیرندگان	ندارد	ندارد	دارد

7- مزایای تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق جهت تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی، مزایای اقتصادی و اجتماعی مهمی به همراه داشته باشد. در واقع اگر موسسه تامین مالی خرد در تجهیز منابع از نهاد اسلامی وقف بهره برده و در سمت تخصیص منابع نیز از ابزارهای اسلامی استفاده کند، ویژگی‌های مثبتی ایجاد می‌کند که در این قسمت به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف- حل چالش کمبود منابع مالی

همان‌طور که برخی تحقیقات به خوبی نشان داده‌اند یکی از مشکلاتی که موسسات تامین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند، مسئله تامین نقدینگی می‌باشد. به این معنی که این دسته از موسسات معمولا با کمبود منابع مواجه می‌باشند. به عنوان نمونه حبیب (2002) در تحقیق خود بر روی تعدادی از موسسات تامین مالی خرد بنگلادش، نشان می‌دهد که کمبود منابع مالی یکی از محدودیت‌های اصلی پیش‌روی رشد و فعالیت این دسته از موسسات به حساب می‌آید. این در حالی است که به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌هایی که در الگوی پیشنهادی در این تحقیق وجود دارد، آن است که اجرای صحیح این الگو منجر به ایجاد منابع قابل توجهی برای موسسه تامین مالی خرد می‌شود. در واقع در این الگو منابع خرد و کلان واقفان چه به صورت کالا و اموال منقول و غیر منقول و چه به صورت وجوه نقد و سهام جمع‌آوری شده و به عنوان منبعی رایگان برای موسسه تامین مالی خرد به حساب می‌آید.

ب- مدیریت صحیح و کارآمدسازی استفاده از منابع وقفی

یکی از چالش‌هایی که نظام وقف در کشور ما و اکثر کشورها با آن مواجه است مسئله عدم استفاده صحیح و کارآمد از منابع وقفی است. در واقع همان‌طور که برخی از تحقیقات نشان داده‌اند، میزان درآمدی که از حجم عظیم وقف بدست می‌آید بسیار ناچیز بوده و وظایف اقتصادی که وقف در گذشته در جوامع اسلامی انجام می‌داد، امروزه دیگر وجود ندارد (مصباحی‌مقدم و دیگران، 1388، ص 5). این در حالی است که در الگوی پیشنهادی ویژگی‌های مشخصی وجود دارد که منجر به افزایش کارایی استفاده از منابع وقفی می‌شود. در واقع به دلیل وجود صرفه‌های مقیاس[1] برای موسسه تامین مالی خرد وقفی، امکان انجام فعالیت‌هایی برای موسسه ممکن می‌شود که برای واقفان فردی و سنتی

1. Economies of scale

چنین مزایایی به هیچ وجه فراهم نیست. به عنوان نمونه تمییز بین فقرای واقعی و افرادی که در واقع فقیر نیستند و یا بین نیازهای تولیدی و مصرفی فقرا، ایجاد گروه‌های تولیدی از فقرا و ارائه تسهیلات به صورت گروهی، نظارت بر استفاده بهینه از منابع وقفی، ارزیابی پروژه‌های مختلفی که توسط گروه‌های خرد ارائه می‌شود و انتخاب کارآمدترین آن‌ها، نظارت دائمی بر تسهیلات مصرفی و تولیدی، مدیریت ریسک‌هایی که موسسه با آن‌ها مواجه می‌باشد و غیره.

ج- جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خرد و مشارکت افراد بیشتری در سنت حسنه وقف

در حال حاضر برای افراد دارای دارایی‌های خرد نمی‌صرفد که اموال خود را وقف کنند. چرا که در این صورت لازم است فرد واقف برای مطمئن شدن از تامین اهدافی که از وقف دارد، متولّی تعیین کند. اما با توجه به خرد بودن وقف، درآمد حاصل از آن به اندازه‌ای نیست که تامین دستمزد متولّی را بنماید. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی، موسسه به عنوان متولّی رایگان برای تمامی وجوه خرد عمل کرده و لذا اموال و وجوه خرد نیز می‌توانند در سنت حسنه وقف مشارکت کنند.

د- افزایش کارایی اقتصادی

کارایی به معنی تولید بیشتر با استفاده از نهاده کمتر است و کارایی تخصیصی که در اینجا مورد توجه است، به معنی تخصیص منابع جامعه به گونه‌ای است که تولید کل حداکثر گردد. این امر زمانی برقرار می‌شود که در کل اقتصاد بهره‌وری نهایی سرمایه‌گذاری در تمامی صنایع برابر باشد. نتیجه این حالت نسبتا ایده آل، آن است که سرمایه باید در جایی سرمایه‌گذاری شود که حداکثر بازدهی (سوددهی) را داشته باشد (الجرحی[1]، 2002). اما در شرایطی که موسسه تامین مالی خرد از عقد قرض در تامین مالی گروه استفاده کند، در

1. Al-Jarhi

رابطه با بازپرداخت تسهیلات پرداختی (و نه الزاما موفقیت طرح اقتصادی) نگرانی دارد. این نگرانی‌ها زمانی به بهترین نحو مرتفع می‌شود که اعضای گروه قبل از دریافت وام، به منظور مواجه شدن با تعهدات پرداختی که از این وام به وجود می‌آید، منابع کافی در اختیار داشته و به موفقیت طرحی که برای تامین مالی‌اش وام دریافت کرده‌اند، وابستگی نداشته باشند. به همین دلیل است که شایستگی اعتباری[1] اعضای گروه اولین موردی است که تامین مالی کننده در نظام متعارف در نظر می‌گیرد. البته داشتن پیش‌بینی موفقیت و ایجاد سود توسط اعضا نیز بسیار مهم است؛ ولی این شاخصه رتبه دوم از مواردی که تامین مالی کننده در نظر می‌گیرد را به خود اختصاص می‌دهد. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی به دلیل آنکه موسسه منابع تولیدی-تجاری خود را بر اساس عقود اسلامی ارائه می‌کند، در رابطه با موفقیت پروژه‌ها نگرانی دارد. از اینرو اولین و مهمترین مولفه‌ای که موسسه تامین مالی خرد وقفی به منظور اعطای تسهیلات به طرح‌های گوناگون (که از طرف گروه‌های مختلف ارائه شده است) در نظر می‌گیرد، پیش‌بینی موفقیت و سوددهی طرح می‌باشد و شایستگی اعتباری اعضای گروه در رتبه دوم قرار می‌گیرد (صدیقی، 2004، ص 103).

ه- تخصیص بهینه منابع و تقویت اشتغال

با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از تسهیلات موسسه تامین مالی خرد اسلامی تولیدی-تجاری بوده و در این دسته از تسهیلات، طرح‌های کسب و کار پیشنهادی توسط گروه‌ها مورد ارزیابی دقیق قرارمی‌گیرد، منابع وقفی به صورت بهینه به بهترین و سوددهترین پروژه‌ها اختصاص می‌یابد. همچنین این تسهیلات تولیدی منجر به اشتغال فقرا گردیده و این خود در بلند مدت آثار قابل توجّه اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. در واقع در این الگو از ظرفیت تولیدی فقرا در جهت ایجاد اشتغال استفاده می‌شود.

---

1. Creditworthiness

و- توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی

همان‌طور که تحقیقات تامین مالی خرد نشان می‌دهند، معمولا موسسات تامین مالی خرد به گروه‌های ضعیف‌ترِ فقرا (فقیرترین فقرا[1]) توجهی نمی‌کنند (نورالزمان[2]، 1997؛ چادهری[3]، 1999؛ کرانشاوی[4]، 2007). معمولا توجیهی نیز که در این رابطه ارائه می‌شود آن است که: «ارائه تامین مالی خرد به گروه‌های به شدت فقیر نه تنها باعث نجات آن‌ها نمی‌شود، بلکه به علت عدم توانایی در بازپرداخت، باعث می‌شود هر چه بیشتر مدیون گردیده و در آینده فقیرتر گردند» (بادراکس و کن[5]، 2008، ص 189). اما در الگوی پیشنهادی بخشی از تسهیلات (وام‌های مصرفی) بر اساس عقد قرض‌الحسنه به فقیرترین فقرا ارائه می‌شود.

ز- کاهش چالش خطر اخلاقی[6]

منظور از خطر اخلاقی آن است که وجود یک قرارداد میان دو طرف، ممکن است باعث تغییر رفتار هر دو یا یکی از آن‌ها گردد. در واقع چالش خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت می‌باشد و آن هنگامی است که دریافت‌کننده تسهیلات به انگیزهٔ کسب سود بیشتر، سود یا زیان فعالیت اقتصادی را بطور صحیح گزارش ندهد (فاروق، 2006). به نظر می‌رسد در الگوی پیشنهادی چنین مشکلی وجود نداشته باشد. دلیل این امر آن است که در تسهیلات تولیدی-تجاری که مسئله خطر اخلاقی قابل تصوّر است، نماینده موسسه تامین مالی خرد وقفی در تمامی مراحل به عنوان ناظر و مشاور طرح‌های اقتصادی حضور داشته و از میزان سود و زیان طرح اقتصادی آگاه است و لذا چالش خطر اخلاقی کمرنگ می‌گردد.

---

1. The poorest of the poor
2. Nuruzzaman
3. Chowdhury
4. Karanshawy
5. Boudreaux and Cowen
6. Moral hazard

ح- اطلاعات نامتقارن[1]

نامتقارن بودن اطلاعات هنگامی به وجود می‌آید که دریافت کننده تسهیلات در مواجهه با تامین مالی کننده، تمایل به افشای کامل اطلاعات در مورد هزینه‌ها و درآمدهای حاصل از طرح یا فعالیت اقتصادی نداشته باشند (کارا[2]، 1999، ص 101). به نظر می‌رسد چالشِ اطلاعات نامتقارن که یکی از دلایل عدم استقبال بانک‌های اسلامی از عقود مشارکتی است، در الگوی پیشنهادی کمرنگ گردد. دلیل این امر آن است که در این الگو موسسه تامین مالی خرد وقفی در تمامی مراحل بر اجرای صحیح پروژه‌ها در تسهیلات تولیدی که ارائه می‌کند نظارت دارد و این از چالش اطلاعات نامتقارن می‌کاهد.

ط- احتمال پایین‌تر انحراف تسهیلات تولیدی

یکی از مشکلاتی که موسسات تامین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند آن است که به دلیل آنکه افراد وام خود را بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره دریافت می‌کنند، امکان آن وجود دارد که این وجوه در حوزه تولید وارد نشده و صرف هزینه‌های مصرفی فرد گردد. اما در الگوی پیشنهادی و در حوزه تسهیلات تولیدی، رابطه مشخصی بین بخش واقعی و پولی برقرار گردیده و حتما کالا جابجا می‌شود. به عبارت دیگر استفاده از عقود اسلامی منجر به کاهش مشکل انحراف تسهیلات می‌گردد. چرا که در اکثر موارد عقود اسلامی بر روی کالای واقعی انجام شده و این کالا (و نه پول نقد) به کارفرما تحویل می‌گردد (عیوضلو و میسمی، 1387، ص 13).

ی- غیردولتی بودن و کوچک‌سازی بخش دولتی

یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی غیردولتی بودن آن است. در واقع نهاد وقف در تاریخ اقتصادی اسلام، نهادی غیردولتی و متعلّق به عموم افراد جامعه بوده که در راستای

---

1. Asymmetric information
2. Kara

اهداف اجتماعی و دولتی حرکت می‌کند. این خصلت یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی است که باعث کاهش وظیفه تصدّی‌گری (بنگاه‌داری) دولت اسلامی در حوزه رفع فقر می‌گردد؛ مسئله‌ای که بدون شک یکی از مهمترین وظایف دولت در اسلام است.

8- چالش‌های تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور و ارائه راهکار

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق جهت تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور، چالش‌هایی به همراه داشته باشد. در این قسمت به مهمترین چالش‌های احتمالی که این الگو ممکن است با آن مواجه شود می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا با استفاده از تجربه تامین مالی خرد متعارف، راهکارهایی برای حداقل نمودن این چالش‌ها ارائه نماییم.

الف- چالش شرعی

یکی از اشکالاتی که می‌تواند به این الگو وارد شود آن است که در حوزه تجهیز منابع برای موسسه از برخی از انواع وقف، مانند وقف پول و یا اوراق وقف پول نیز استفاده می‌شود. اما همان طور که قبلا نیز ذکر شد، وقف پول همواره از مباحث اختلافی بین فقها بوده و برخی از فقها و مراجع تقلید وقف پول رایج را غیرشرعی می‌دانند (دادگر و سعادت‌فر، 1386، ص 16). راهکاری که برای حل این مشکل می‌توان ارائه داد آن است که موسسه مذکور هنگام تدوین وقف‌نامه با تامین مالی کنندگان به این نکته توجه نماید که اگر مرجع تقلید واقف، وقف پول (و در نتیجه اوراق وقف پول) را ناصحیح می‌داند، از انوع دیگر وقف، مثلا اوراق وقف گروهی استفاده نماید. علاوه بر این، همان طور که برخی محققین به خوبی نشان داده‌اند، می‌توان برای این دسته از واقفان از عقد صلح استفاده نمود (موسویان و نصرآبادی، 1388). بدین صورت که به جای استفاده از عقد وقف به منظور دریافت وجوه، عقد صلح ابتدایی بین دارنده وجوه نقدی و موسسه تامین مالی خرد

بسته می‌شود. البته تمامی شروط و ضوابطی که در وقف پول وجود داشت در اینجا نیز وجود خواهد داشت؛ مثلا موسسه در این عقد صلح، متعهّد می‌گردد که از وجوه دریافتی تنها به منظور ارائه تسهیلات مصرفی و تولیدی به فقرا استفاده نماید.

ب- چالش نظارت

یکی از چالش‌هایی که الگوی پیشنهادی (مشابه بانک‌های اسلامی) با آن مواجه است، مسئله نظارت است. در واقع اشکال آن است که یکی از ویژگی‌های تمامی الگوهای تامین مالی خرد، از جمله الگوی پیشنهادی در این تحقیق، مسئله نظارت است. در واقع موسسه تامین مالی خرد موظف است برای هر گروه ناظری تعیین کرده و این ناظر به طور دائم به اعضای گروه مشورت داده و بر فعالیت‌های گروه نیز نظارت نماید. در اینجا مسئله هزینه‌بر بودن نظارت به وجود می‌آید. نکته‌ای که در این رابطه قابل ذکر می‌باشد آن است که مسئله نظارت در تامین مالی خرد حداقل به دو دلیل کم هزینه‌تر از نظارت در بانک‌های اسلامی است. اولا، به دلیل استفاده از ایده فشار گروهی[1]، اعضای گروه، خود بر یکدیگر نظارت خواهند داشت تا وجوه دریافتی به درستی استفاده شده و بازپرداخت گردد؛ چرا که در غیر این صورت، سایر اعضا از دریافت تسهیلات در مرحله بعد محروم می‌شوند. ثانیا، با توجه به اینکه نظارت بر افراد منفرد نبوده و بلکه بر گروه می‌باشد، هزینه نظارت بر اساس اصل اقتصادی بازده به مقیاس[2] کمتر می‌باشد (مافی، 1387، ص 220).

ج- چالش خرد بودن تسهیلات

چالش دیگری که الگوی پیشنهادی در این تحقیق می‌تواند با آن مواجه باشد آن است که موسسه تامین مالی خرد، بر اساس ویژگی‌های ذاتی که دارد، تسهیلات خرد به افراد ارائه می‌نماید. این بحث در مورد تسهیلات مصرفی که با استفاده از عقد قرض انجام می‌شود،

---

1. Group pressure
2. Return to scale

مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ اما در رابطه با تسهیلات تولیدی که در الگوی پیشنهادی با استفاده از عقود مشارکتی انجام می‌شود، مشکلاتی ایجاد می‌کند. چرا که فعالیت‌های تولیدی (مثلا تاسیس یک کارخانه) معمولا نیاز به سرمایه اولیه زیادی دارند که این با ماهیت خرد بودن تسهیلات تولیدی که به اعضای گروه ارائه می‌شود، تعارض دارد. ایده‌ای که در ادبیات تامین مالی خرد برای حل این مشکل ارائه شده است، مسئله تجمیع[1] است. بدین معنی که موسسه تلاش می‌کند تا در صورت امکان گروه‌های مختلف را به یک مجموعه تبدیل کرده و تسهیلات را به گروه‌ها (و نه افراد) ارائه نماید. در این شرایط گروه‌های مختلف در یک مجموعه قرار گرفته و ضمانت یکدیگر را می‌نماید. انجام این کار موجب بالا رفتن حجم تسهیلات می‌گردد[2] (رحیمی، 1380، ص 22).

د- چالش قانونی

بیان این چالش بدین صورت است که موسسه تامین مالی خرد وقفی لازم است در چارچوب قوانین موجود در کشور در حوزه تامین مالی خرد به فعالیت مشغول شود. اما بررسی دو آیین‌نامه‌ای که مرتبط با تامین مالی خرد می‌باشند یعنی «دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه» و «دستورالعمل تاسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آن‌ها»، نشان می‌دهد که گرچه در حوزه تجهیز منابع برای صندوق‌ها و بانک‌های قرض‌الحسنه، موقوفات به عنوان یکی از منابع تامین مالی شناخته شده است (و لذا از جهت تجهیز منابع الگوی پیشنهادی با خلا قانونی مواجه نیست)، اما در حوزه تخصیص منابع، امکان استفاده از عقود مبادله‌ای و مشارکتی فراهم نیست. از این رو موسسات تامین مالی خرد وقفی نمی‌توانند در چارچوب قوانین موجود

---

1. Aggregation

2. البته لازم به ذکر است که ایده تجمیع وام‌های تولیدی تنها در مورد بخشی از فقرا قابلیت کاربرد دارد و نه تمامی آن‌ها. به عنوان نمونه موسسه، چند کشاورز که زمین‌های مشابهی دارند را در قالب یک گروه در نظر گرفته و به آن‌ها تسهیلات تولیدی به صورت گروهی ارائه می‌کند.

توسعه یابند. راهکاری که می‌توان برای حل این مشکل ارائه داد آن است که دولت همگام با بانک مرکزی، آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر موسسات تامین مالی خرد وقفی را نیز به تصویب برساند و یا اینکه قوانین موجود را به نحوی اصلاح کند که اجازه فعالیت به موسسات تامین مالی خرد وقفی را نیز بدهد.

۵- چالش تورم

یکی دیگر از چالش‌هایی که می‌تواند الگوی پیشنهادی را با مشکل مواجه سازد مسئله تورم است. چرا که بر اساس تعریف، موسسه مذکور بخشی از منابع خود را از طریق وقف پول تامین می‌کند؛ و در مباحث فقهی به این مطلب اشاره شد که در بهترین حالت، وقف پول تنها در صورتی می‌تواند صحیح باشد که مالیّت پول و یا قدرت خرید آن حفظ گردد. راهکاری که می‌توان برای حل این مشکل ارائه داد، نگه داشتن ذخیره‌ای به میزان نرخ تورم دوره گذشته، در هر دوره است. همچنین موسسه مذکور می‌تواند بخشی از منابع خود را به عنوان ذخایر نگه دارد[1] (حبیب، 2007، ص 17).

9- نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

واقعیت آن است که نظام بانکداری اسلامی در ایران و در سطح جهان، بر حل مشکلات فقهی و اجرایی خود متمرکز شده و از اهداف اجتماعی، انسانی و اسلامی مانند عدالت، کاهش نابرابری‌های ناصحیح اجتماعی، و رفع فقر دور شده است. تجربه تأمین مالی خرد متعارف می‌تواند با انجام اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز در نظام بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و به بانک‌های اسلامی در جهت انجام وظایف اجتماعی که دارند

1. لازم به ذکر است در رابطه با وقف اعیان نیز مسئله جلوگیری از بین رفتن و یا کم ارزش شدن عین موقوفه وجود دارد. به نحوی که در چنین شرایطی لازم است بخشی و یا تمام درآمد حاصل از عین صرف نگه‌داری و یا تعمیر آن گردد.

کمک کند. در واقع تجربه تامین مالی خرد اسلامی می‌تواند به عنوان بعدی دیگر از اسلامی شدن نظام بانکداری در کشور مطرح باشد.

در این تحقیق الگوی بومی تامین مالی خرد، بر اساس نهاد وقف ارائه گردید. در واقع ضمن طرح الگوی پیشنهادی و تبیین روش‌های تجهیز منابع مالی برای موسسه (شامل وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف) و همچنین بیان روش‌های تخصیص منابع (عقود مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه)، امکان‌سنجی فقهی و ضرورت اقتصادی تشکیل چنین موسساتی در کشور مورد بحث قرار گرفت. علاوه بر این، مزیت‌ها و چالش‌های مورد انتظار از الگوی پیشنهادی نیز مورد توجه قرار گرفته و تلاش گردید با استفاده از ادبیات تامین مالی خرد، راه‌کارهایی به منظور به حداقل رساندن این مشکلات ارائه شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی-اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای موسسه تامین مالی خرد در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق، زمینه بازیابی جایگاه وقف در توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، از جمله ایران، را فراهم نماید. در واقع باعث می‌شود جایگاه رفیعی که نهاد وقف در تاریخ اسلام، کشورهای اسلامی و ایران داشت، تا حدودی احیاء گردد.

توصیه سیاستی این تحقیق که بر اساس تحلیل نظری انجام شده، آن است که نهادهای فعال در حوزه وقف و تامین مالی خرد در کشور، مانند سازمان اوقاف و امور خیریّه، سازمان اقتصاد اسلامی (که وظیفه مدیریت نظام قرض‌الحسنه در کشور را بر عهده دارد)، بانک مرکزی (که وظیفه نظارت بر تمامی موسسات فعال در بازار پول را بر عهده دارد) و کمیته امداد امام خمینی (ره) (که وظیفه رفع فقر و محرومیت در میان گروه‌های پائین درآمدی را بر عهده دارد)، در جهت اصلاح نظام وقف در کشور و تشکیل صندوق‌های تامین مالی خرد وقفی تلاش کنند. این تلاش‌ها می‌تواند یکی از ابعاد طرح تحول نظام بانکی باشد (که خود یکی از هفت محور مطرح شده در تحول اقتصادی است). علاوه بر

این، می‌توان به لحاظ قانونی و با اصلاح قوانین موجود، نظام قرض‌الحسنه را به نحوی بازطراحی کرد که صندوق‌های قرض‌الحسنه، بتوانند در صورت تمایل و رعایت برخی شروط مشخص، به موسسات تامین مالی خرد وقفی تبدیل شده و علاوه بر تسهیلات مصرفی به ارائه تسهیلات خرد تولیدی به صورت گروهی نیز اقدام کنند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود ابتدا الگوی اجرایی، قانونی و آیین‌نامه تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی و یا تبدیل موسسات قرض‌الحسنه به موسسات تامین مالی خرد وقفی ارائه شود، و پس از آن و با انجام اقدامات فرهنگی توسط رسانه‌های گروهی و همچنین در نظر گرفتن مشوّق‌های مالیاتی و غیره، زمینه‌های لازم برای تبدیل شدن اختیاری موسسات قرض‌الحسنه فعلی به موسسات تامین مالی خرد وقفی فراهم شود. لازم به ذکر است ضرورتی وجود ندارد که صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که تازه به موسسات تامین مالی خرد تبدیل می‌شوند، بخش عمده‌ای از منابع خود را به تسهیلات تولیدی و تجاری اختصاص دهند؛ بلکه در کوتاه مدت می‌توانند تنها بخش کوچکی از منابع را به تسهیلات تولیدی و تجاری اختصاص دهند و اگر این تجربه موفق بود به تدریج این نسبت را افزایش دهند.

می‌توان مباحث مطرح شده در این تحقیق را در حوزه‌های مختلف توسعه داده و زمینه‌های کاربردی شدن هرچه بیشتر الگوی مطرح شده را فراهم کرد. به طور مشخص، تحقیقات آینده می‌توانند در جهت پاسخگویی به سوالات ذیل انجام شوند:

1- آیا امکان‌سنجی فقهی-اقتصادی توسعه الگوی پیشنهادی و استفاده از سایر نهادهای اسلامی (علاوه بر وقف)، شامل قرض‌الحسنه، انفال، خمس، زکات و غیره به عنوان منابع دیگری برای موسسه تامین مالی خرد اسلامی وجود دارد؟

2- انواع ریسک‌هایی که موسسه تامین مالی خرد وقفی با آن مواجه می‌باشد کدام است؟ الگوی مدیریت ریسک مناسب برای موسسه کدام است؟

3- در الگوی پیشنهادی، انواع ذخیره‌هایی که لازم است موسسه به منظور مواجهه با چالش‌های احتمالی (به عنوان نمونه مسئله تورم) نگه دارد کدام است؟

4- الگوی اجرایی بهینه برای تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی کدام است؟ رابطه مناسب این نهاد با سازمان اقتصاد اسلامی، موسسات قرض‌الحسنه، بانک قرض‌الحسنه، بانک‌های اسلامی، سازمان اوقاف و بانک مرکزی کدام است؟

5- الگوی بهینه در جهت تعیین متولّی و ناظر و تبیین نحوه رابطه این دو کدام است و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

6- الگوی نظارتی بهینه برای فعالیت موسسه تامین مالی خرد وقفی کدام است و وظیفه چه سازمان‌هایی می‌باشد؟

7- الگوی بهینه استفاده از موقوفات سنتی (که با هدف رفع فقر وقف شده‌اند) در موسسه تامین مالی خرد وقفی کدام است؟ چگونه می‌توان از ساختار موسسه در جهت هدایت موقوفات جدید استفاده کرد؟

8- فرآیند و الگوی بهینه ابدال و استبدال (که در فقه وقف مطرح می‌شود) برای موسسه تامین مالی خرد وقفی کدام است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

9- دلایل معتقدان به نقش منفی نهاد وقف در توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی (به عنوان نمونه تیمور کوران[1]) کدام است؟ چگونه می‌توان به این انتقادها پاسخ داد؟

---

1. TimurKuran

منابع :

1- Al-Jarhi, M. (2002) “Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option”, Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
2- Bakhtiari, S. (2002) “Waqf and Its Role in Socioeconomic Development”, The Journal of Waqf, 40, pp. 26-54.
3- Chapra, M.U. (1985) “Towards a Just Monetory System, The Islamic Foundation, Leicester.
4- Chowdhury, F. (1999) “Let Grassroots Speak: People’s Participation, Self Help Groups and NGOs in Bangladesh”, Dhaka: University Press Limited.
5- Dadgar, Y. and Saadatfar, J. (2007) “The Possibility of Cash Waqf”, Journal of Economic Research, 1, pp.16-28.
6- Eivazlou, H. and Meisami, H. (2009) “Stability and Efficiency of Islamic Banking System in Comparison with Conventional Banking”, Islamic Economics Journal, 31, pp. 75-68.
7- Eshkevari, S.M. (1998) “Moqufat of Imam Ali (pbuh)”, The Journal of Waqf, 8, pp. 65-84.
8- Farzaneh, M. (2008) “Micro Finance: the Experience, Implications and Strategies”, Tehran, Strategic Research Academy.
9- Ghashghaee, M.H. (2006) “The Iranian Civil Law”, Tehran, Mozakereh Publication.
10- Habib, A. (2002) “Financing Microenterprises: An Analytical Study of Islamic Microfinance Institutions”, Islamic Economic Studies, 9(2), pp. 27–62.
11- Habib, A. (2011) “Waqf-Based Microfinance: Realizing The Social Role of Islamic banking”, Paper presented in the International Seminar on integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore, pp. 14-26.
12- Hassan, K. and Alamgir, D. (2002) “Microfinancial Services and Poverty Alleviation in Bangladesh: A Comparative Analysis of Secular and Islamic NGOs”, in Islamic Economic Institutions and the Elimination of Poverty, Ed. Munawar Iqbal, pp.113-186. Leicester: The Islamic Foundation.

13- Hassan, K. and Ashraf, A. (2010) "An Integrated Poverty Alleviation Model; Combining Zakat, Awqaf and Micro-Finance", Paper presented at the Seventh International Conference – The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi.
14- Kahf, M. (2006) "Role of Zakat and Awqaf in Reducing Poverty: a Case for Zakat-Awqaf-Based Institutional Setting of Micro-finance", Paper for the Conference on Poverty Reduction in the Muslim Countries.
15- Kaleem, A. and Ahmed, S. (2009) "The Quran and Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-Based Islamic Microfinance Institutions", Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, 9, pp. 4-15.
16- Karanshawy, H. (2007) "Finance Plus: A Model for the Activation of Microfinance and Medium Finance", Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.
17- Khan, M.F. (1997) "Social Dimensions of Islamic Banks in Theory and Practice", Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
18- Khomeini, S.R. (1982) "Tahrirolvasileh", Beirut, Darolanvar.
19- Koleini, Y. (1984) "OsouleKafee", Qum, Maktab-al-Eslamieh Publications.
20- Majlessi, M.B. (1986) "Baharal-anvar", Qum, Ahlalbeit Institute.
21- Mannan, M.A. (2007) "Alternative Micro-Credit Models in Bangladesh: A Comparative Analysis between Grameen Bank and Social Investment Bank Limited: Myths and Realities", Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.
22- Mesbahi Moghadam, G.R. and Shokri, S. (2007) "The Stock Waqf from an Islamic Point of View", Payame Modiriat Journal, 21, pp. 89-109.
23- Mesbahi Moghadam, G.R. Sayah, S. and Naderi, M.M. (2009) "The Possibility of the Money and Stock Waqf", Jostarhaye Eghtesadi Journal, 12, pp.56-78.

24- Mohagheghe Helli, H. (1974) “Sharaeeoleslam”, Tehran, Esteghlal Publication.
25- Najafi, M.H. (1968) “Javaher-al-Kalaam”, Tehran, Dar-al-Kotob-al-Eslami Publication.
26- Mousavian, S.A. (2004) “A Plan for Organizing Gardolhasan Institute in Iran”, Islamic Economics Journal, 16, pp. 78-99.
27- Mousavian, S.A. (2004) “Islamic Banking”, Tehran, Monetary and Banking Academy.
28- Mousavian, S.A (2007) “Islamic Financial Institution”, Qum, Farhang Va Andisheh Eslami Research Institute.
29- Mousavian, S.A (2009) “Waqf Sukuk: a New Way to Finance Charity Plans”, Islamic Economics Journal, 3, pp. 112-130.
30- Nuruzzaman, M. (1997) “Bangladesh in the Web of Creeping Colonialism of NGOs”. Dhaka: The Center for Bangladesh Studies.
31- Rahimi, A. (2001) “The Characteristics of Islamic Micro Finance”, paper presented at the microfinance conference, the Iranian Agricultural Ministry.
32- Saati, Y. (1995) “Waqf and the Structure of Islamic Libraries”, Mashad, Research Department of the Astane Ghods.
33- Sadeq, A.M. (2007) “Microfinance Poverty Alleviation and Economic Development: Theory and Practice”, Paper presented at the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development, University Brunei Darussalam.
34- Sedighi, M. (2001) “Riba, Bank Interest and the Rationale of Its Prohibition”, Tehran, Imam Sadiq University.
35- Maki, M. (1982) “Alloma Aldameshgiyah”, Qum, Darolfekr.
36- Sorush, A. (2003) “Using Islamic Securities to Finance Waqf”, paper presented at the Waqf and Islamic civilization conference.
37- Suri, H. (2004) “The Analysis of the Iranian Moqufat: The Case of Tehran”, Ph.D. Thesis, Imam Sadiq University.
38- Toghyani, M. (2006) “Microfinance in Iran and the Ways to Expand It”, M.A. Thesis, Imam Sadiq University.